

شنبه؛ اجتماع اربعینی‌ها

خیلی ها دلشان می خواست اربعین در کربلا باشند اما به هر دلیل از این فیض بی نصیب ماندند. با وجود این هر سال با فرا رسیدن اربعین، جاماندگان...

[صفحه ۷]

[صفحه ۲]



info@khorasannews.com

یادداشت

غلامرضا بنی اسدی

اربعین و لشکر پر شمار سید الشهدا (ع)

[صفحه ۲]

۱۶۷۵ روز در چنگال دزدان دریایی

این دیوار ما را از هم دور نمی‌کند؛
نزدیک می‌کند

یک روز خوب؛ من و دوستم روح!

[زندگی سلام]

خط و نشان قاضی القضاات برای متصرفان اراضی ملی

مردم مراقب خرید و فروش زمین‌های حاشیه شهر باشند

[صفحه ۲]

چهلمین روز گریه‌های سپهر جان در فراق حسین (ع) تسلیت پاک



اشتغال زنان روستایی در میان
در گلخانه گل می دهد

[صفحه ۷]

بدمینتون آسیا در بیرجند
کمپ می زند

[صفحه آخر]

محور نهبندان در یک هفته ۷ قربانی گرفت

مرگ در میان شعله‌های آتش

[صفحه ۷]

اولین حضور مقتدر استان
در لیگ برتر کشتی فرنگی

[صفحه آخر]

تصمیم نهایی برای

سیل زدگان «شیرگ آقا»

[صفحه ۷]

جناب آقای مهندس سینا سرحدی

با نهایت تاسف و تأثر در گذشت عموی
گرامیتان را تسلیت عرض می نمائیم.
ما را در غم خود شریک بدانید.

مجمع خیرین ورزش یار
خراسان جنوبی

ت/۹۸۰۹۵۲۳۰



جناب آقای آقایی
مدیریت محترم راهداری
و نقل و نقل جاده ای نهبندان

اقدامات شما در زمینه خدمات رسانی
به روستائیان و عشایر نهبندان قابل
ستایش است و از جنابعالی برای این
زحمات تشکر و قدردانی می شود.

مدیر مدرسه ۱۲ فروردین و اهالی
روستای عشایری بصیر نهبندان

کارت دانشجویی

به شماره ۹۶۲۱۱۰۴۸۱۵۵۰۱۳ مربوط به محمد
حاجی آبادی شماره ملی ۰۹۲۵۰۴۹۸۲۴ فرزند
حسن مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

ت/۹۸۰۹۵۵۳۹

نیاز مندیم

راننده پایه یک کمپرسی خارج از شهر

۰۹۱۵۳۶۱۸۶۷۸ - ۰۹۱۵۳۶۸۸۲۰۳

ت/۹۸۰۹۳۹۵۲

تبلیغات هوشمندانه،
قوی و شجاعانه که
مبتنی بر اعتقاد و باور
باشند، بسیار اثر بخش
خواهند بود

ت/۹۸۰۹۵۰۳۰۳

در تبلیغ باید
تصاویر، کلمات و مفاهیم
روشن و گویا باشند

ت/۹۸۰۹۵۶۳۵

حُب سوال کردن یکی
از مهارت‌های مهم
فروشنده‌گان حرفه ای است

ت/۹۸۰۹۵۵۹۶

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای
بدون ارزیابی کیفی - نوبت اول

اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان جنوبی در نظر دارد مناقصه عمومی به شرح ذیل
را فیما بین پیمانکاران واجد شرایط ، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید :

شماره	موضوع	مدت	مبلغ برآورد	فهرست بهاء مورد استفاده	مبلغ ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار
۹۸/۶۶	تجدید مناقصه اجرای عملیات شیار لرزاننده (رامبل استریس) طولی محورهای حوزه استحفاظی استان خراسان جنوبی	۶ ماه	۸,۴۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال	فهرست بهاء خدمات فاقد	۴۲۲,۵۰۰,۰۰۰ ریال

ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار میبایست به یکی از دو روش ذیل اخذ و در سامانه ستاد بارگذاری و به صورت فیزیکی تحویل دستگاه مناقصه گزار گردد:

الف - ضمانتنامه بانکی معادل مبلغ فوق در وجه اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان جنوبی
ب - فیش بانکی واریز وجه نقد معادل مبلغ فوق به حساب مندرج در اسناد مناقصه به نام تمرکز وجوه سپرده اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان جنوبی نزد شعب بانک ملی ایران ، مدت اعتبار ضمانتنامه بانکی باید حداقل سه ماه پس از افتتاح پیشنهادها بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

شرایط مناقصه گران : -جهت مناقصه فوق پیمانکاران حقوقی دارای حداقل رتبه ۵ رشته راه و ترابری و دارای گواهی معتبر صلاحیت ایمنی انجام کار صادره از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و دارای ظرفیت آزاد مجاز به شرکت در مناقصه می باشند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۲۸ /۰۷/ ۹۸ می باشد .

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت :

ساعت ۱۱:۰۰ یکشنبه ۲۸ /۰۷/ ۹۸ لغایت ساعت ۱۱:۰۰ پنجشنبه ۰۲ /۰۸/ ۹۸

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد مناقصه : ساعت ۱۴:۳۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۳ /۰۸/ ۹۸

زمان بازگشایی پاکت مناقصه از طریق سامانه ستاد : ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز سه شنبه تاریخ ۱۴ /۰۸/ ۹۸

آدرس و اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت ها : آدرس : خراسان جنوبی - بیرجند - خیابان غفاری - نبش غفاری ۲۵ - اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای خراسان جنوبی

شماره تماس : ۹ - ۳۲۳۴۲۱۳۷ - ۰۵۶

کد پستی : ۹۷۱۷۸۳۳۱۱۵

متقاضیان می توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت آگهی مناقصه به پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس <http://iets.mporg.ir> و سایت اینترنتی اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان خراسان جنوبی به آدرس <http://khorasan-south.rmto.ir> رجوع نمایند.

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه : ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر ثبت نام مرکزی : ۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۰۲۱

ت/۹۸۰۹۵۲۳۲

۱۶۷۵ روز در چنگال دزدان دریایی

صیاد کنار کی در گفت و گوبا ما از روح پریشان و جسم خسته اش می گوید که سوغات روزهای اسارت در سومالی است

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۲۵ مهر ۱۳۹۸
۱۸ صفر ۱۴۴۱ • ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۳۳

۱۴۴۴



چندروز بعد از آزادی



چند ماه قبل



صالح سیستانی | خبرنگار

پرونده

بعد از ۱۶۷۵ روز اسارت در سومالی صیاد رنج دیده ایرانی یعنی «محمد شریف پناهنده» حدود ۲۰ روز است آزاد شده است. فروردین ۹۳ پرماجراترین سفر زندگی این صیاد آغاز شد. سفری که نزدیک به پنج سال طول کشید و او هولناک ترین اتفاقات ممکن را به چشم دید و با تمام وجود تجربه کرد. «محمد شریف» که در جست و جوی رزق و روزی و به عشق خانواده و فرزندانش دل به دریا زده بود، در مخیله اش هم نمی گنجید که فرزند یک سال و نیمه اش را تا زمانی که به مدرسه برود، نخواهد دید. نقش اول روایت امروز، حاضر بودمانند پیر مرد داستان همینگوی با چندین کوسه وحشی مبارزه کند بدون این که ذراتی ترس از باخت داشته باشد اما در نبردی نابرابر و یک طرفه در چنگ دزدان دریایی سومالی اسیر نشود. دزدانی که نه رحم و مروت داشتند و نه بویی از انسانیت برده بودند و تنها کاری که آموخته بودند، آزار دادن اسیران دست بسته بود. آزاری که هم روحی بود و هم جسمی و حدود ۱۷۰۰ روز بدون وقفه ادامه داشت تا این که روز نهایی از امید در دل «محمد شریف» روشن شد. در پرونده امروز زندگی سلام، داستان مردی را می خوانید که مصائبی سخت را متحمل شد و تا پای مرگ رفت اما اهل تسلیم شدن نبود. زمان گذشت، البته با تحمل در دورنجهای بسیار روزی رسید که این صیاد، آزاد شد و از چندین و چند کشور گذشت تا به وطن برسد. حالا او در گفت و گویی با «زندگی سلام» راوی داستان تلخی شده و از کسانی می گوید که هنوز در سومالی اسیر دست دزدان دریایی هستند.

عاشق دریا هستم و از آن

درس می گیرم

«شریف پناهنده» در ابتدای گفت و گو برای معرفی خود چنین می گوید: «۴۰ سال دارم و در شهرستان کنارک در نزدیکی چابهار متولد شدم. متاهل و دارای سه فرزند پسر هستم که کوچک ترین آن ها مهرماه امسال به کلاس اول رفته است. از کودکی علاقه شدیدی به دریا و صیادی داشتم. کلاس پنجم دبستان را که به اتمام رساندم، سوار قایق و لنج شدم و به دریا رفتم تا از دریا درس بگیرم و سی سال است در حال آموختن از این شگفتی بزرگ خلقت هستم، جایی که روزی امثال من در آن نهفته است.»

تیراندازی با «آرپی جی»

و تسلیم شدن مان!

محمد شریف با صدایی که از یادآوری لحظات ابتدایی حمله دزدان دریایی دچار هیجان شده و گاهی می لرزد، ماجرا این گونه روایت می کند: «فروردین ۹۳ طبق معمول و همراه با دیگر ملوانان و صیادان که جمعا ۲۱ نفر بودیم راهی دریا شدیم. از آن جا که لنج ما بزرگ و دارای سیستم پروتدی و سردخانه بود به ما مجوز صیادی در آب های دورر داده بودند و ما هم راهی اقیانوس هند شدیم. روزهای گذشت و در حال انجام کارهای مان بودیم، یک روز حدود ساعت ۳ یا ۴ صبح که خدمه در حال جمع کردن تورهای ماهیگیری بودند، چند قایق به ما حمله و شروع به تیراندازی کردند. یکی از دوستانم متوجه شد که تیراندازی آن ها برای ترساندن نیست و به سمت هر فردی که در تیررس آن ها قرار بگیرد، تیراندازی می کنند تا کشته شود. بنابراین تاجایی که توانستیم تورها را جمع و بقیه را پاره کردیم و با نهایت سرعتی که لنج قادر به حرکت با آن بود، شروع به فرار از دست دزدان دریایی کردیم و حدود یک ساعت در حرکت بودیم و آن ها به دنبال ما و همچنان در حال تیراندازی بودند. ابتدا با کلاشینکف تیراندازی می کردند که آسبیبی به بدنه لنج نمی زد و بعد از آن با اسلحه سنگین تر شروع به تیراندازی کردند که آسیب های جدی به بدنه لنج وارد کرد. با این حال، ما به راهمان ادامه می دادیم تا این که با «آرپی جی» تیراندازی کردند که البته به لنج برخورد نکرد اما این پیام را داشت که باید تسلیم شویم و گر نه جان خود را از دست می دهیم.»



قایق های اطراف به جای کمک، فرار می کردند

اودر باره درخواست هایی که برای کمک در همین مدت کوتاه تا قبل از تسلیم شدن ارسال کرده اند، می گوید: «بعد از این که با آرپی جی شلیک کردند و همچنان هم با سلاح های نیمه سنگین به تیراندازی ادامه می دادند، در یک تصمیم مشترک به این جمع بندی رسیدیم که لنج را متوقف کنیم و تسلیم دزدان دریایی شویم. در تمام مدت فرار، بارها به تمام لنج ها و قایق های اطراف درخواست کمک ارسال کردم اما همه آن ها از ترس این که خودشان هم گیر بیفتند، فراری کردند و هیچ کدام به کمک ما نیامدند تا این که تسلیم شدیم. پس از آن و در چشم برهم زدن بیش از ۲۰ نفر وارد لنج شدند و دست و پای ما را بستند. دقایقی بعد هم لنج را به محل استقرار خودشان که حدود ۷۰ مایل فاصله داشت، هدایت کردند تا روزهای عذاب آور و مرگبار گروه ما آغاز شود. هر چند در آن لحظات پر استرس، اصلا تصور اتفاقاتی را که الان بر ایم افتاده است نمی کردم.»



۴ ماه اسارت روی لنج!

اسارت آن ها بار سیدن به محل استقرار دزدان دریایی شروع می شود. پناهنده روزهای اول اسارت را چنین توصیف می کند: «چهار ماه ابتدایی اسارت روی لنجی بودیم که در ساحل آرام گرفته بود و فقط شکنجه روحی و جسمی می شدیم. البته بعد ها که لنج را ترک کردیم، فهمیدیم شرایط مان روی آب خیلی هم بد نبوده و از آن بدتر هم وجود دارد! در مدتی که روی لنج بودیم، اجازه برقراری هیچ تماسی را نداشتیم و دست و پامان زنجیر شده بود و روزی یک وعده غذای ناچیز داشتیم که اغلب از ماهی هایی بود که خودمان صید کرده بودیم. در دها جرئت استفاده از لنج ما را نداشتند و از آن برای ماهیگیری یا آمدوشد هم استفاده نمی کردند زیرا به شدت و اهمه داشتند که در آب های بین المللی دستگیر شوند. حتی به آن ها پیشنهاد کردیم یکی دوفنر از ما لنج را به ایران ببرند و بفروشد و مبلغ آن را برای دزدان بفرستند که باز هم قبول نکردند. حرف شان هم این بود که نمی توانیم به شما اعتماد کنیم. آن ها فقط دنبال پول بودند اما اهل خطر برای به دست آوردنش نبودند.»

نیروهای ناتو گول یک پیرمرد را خور دند!

در ماه های اولی که محمد شریف و دوستانش در چنگ دزدان دریایی بودند، امید زیادی به آزادی و رسیدن کمک از سمت گشت ها و پلیس های دریایی داشتند، در این بین، محمد شریف ماجرای جالبی از انفعال نیروهای ناتو برای مان تعریف می کند: «نیروهای ناتو بار هاتاز دیکی ما آمدند. هم با کشتی و هم با بالگرد. ما را می دیدند و به ما نگاه می کردند و با این که دزدان دریایی به شدت از آن ها می ترسیدند اما هیچ کاری برای آزادی مان نمی کردند. در ابتدا تصور ما بر این بود که آن ها در حال آماده سازی خود برای حمله به دزدان و نجات ما هستند اما ناتویی ها فقط از شرایط ما فیلم برداری می کردند و بعدش هم از ما دور می شدند! با این که ما نشان دادن نوشته هایی از آن ها تقاضای کمک می کردیم، هیچ حرکتی برای آزادی ما نکردند. یک بار هم که ناو و نیروهای اسپانیایی به ما نزدیک شدند، کدخدای همان منطقه که هم دست در دها بود به سمت شان رفت و به آن ها گفت ما از این گروگان ها طلبکاریم و به این دلیل آن ها را گرفته ایم و به همین سادگی نیروهای ناتو با آن که می دانستند آن ها دزد هستند، حرف آن پیرمرد را قبول و بدون توجه به وضعیت سخت ما، منطقه را ترک کردند.»

درخواست ۲ میلیون دلاری دزدها از خانواده هایمان!

محمد شریف در باره اولین تماس هایی که از سمت دزدان دریایی با ایران گرفته شد، می گوید: «بعد از مدتی به دلیل توفان های سهمگین آن منطقه، ما را از لنج خارج کردند و به محلی جنگلی بردند. لنج را هم تاجایی که توانستند اوراق کردند و لوازم آن را فروختند و بقیه لنج را در دریا غرق کردند. از لنج که خارج شدیم، شرایط به مراتب سخت تر شد. به گروه های چهار نفره تقسیم مان کردند و هر دوفنر را با زنجیر به هم بستند، هفت هشت نفر هم با اسلحه نگهبان ما بودند. حدودا بعد از شش ماه اولین تماس ما با خانواده برقرار شد و دزدها دو میلیون دلار برای آزادی ما از خانواده های مان درخواست کردند که ما می دانستیم چنین مبلغی اصلا در توان آن ها نیست و قطعاً نمی توانند این پول را جور کنند. همین نکته را هم به آن ها گفتیم که البته نا امید نشدند. آن روز هانمی دانستیم چه فکری در سر شان است. چند روزی گذشت که گره کار را کشف کردیم. دزدان دریایی بعد از دیدن مارک کارخانه سازنده لنج روی بدنه آن، گمان کرده بودند ما هم مانند شرکت های بزرگ نفتی هستیم و اصرا را داشتند به شرکت خود اعلام کنیم پول آزادی ما را فراهم کنند، در صورتی که لنج ما شخصی بود و بعد از آن که متوجه این قضیه شدند، مبلغ را به یک میلیون دلار کاهش دادند! هر روز هم با تلفن به سراغ مان می آمدند که باید با خانواده خودتان، دولت ایران، سازمان ملل یا هر جایی که می داندید تماس بگیرید و پول کنید.»

از ۹ به ۴۸ کیلو گرم رسیدم

موقعی که اسیر شده ۹۰ کیلو گرم بوده و حالا ۴۸ کیلو گرم است. یادآوری روزهای تلخ اسارت برای پناهنده بسیار سخت است و ضعیف شدن صدایش در لحظاتی خاص، خود گواه این موضوع است اما او با حوصله به سوالات ما پاسخ می دهد و با مکنی کوتاه درباره شرایط شان در اسارت می گوید: «روزگار ما هر روز بدتر می شد. ابتدا در کلبه ای روستایی بودیم اما بعد از آن ما را به منطقه جنگل ماندنی کردند که خشک شده بود. زیر درختان می نشستیم و به این علت که به هم دیگر زنجیر شده بودیم، بسیار زجر می کشیدیم. روزانه مقدار کمی برنج به ما می دادند که آن را در آب می جوشانیدیم و مصرف می کردیم. در این بین، آن قدر خوراک من کم شده بود که هر ۱۵ روز یک بار اجابت مزاج داشتم و چون به فرد دیگری زنجیر شده بودم، کسی آن طرف تر چاله ای می کندم و ... در تمام این مدت یک لباس به تن داشتم و گاهی که به شدت عرق می کردم، آن را از تن در می آوردم و خشک که می شد مجدداً می پوشیدم. بسته شدن به یک فرد دیگر، باعث شده بود اصلا خواب راحتی نداشته باشم و تمام این مسائل به شدت بیمار کرده بود. علاوه بر اوضاع روانی، اصلا حال جسمانی خوبی هم نداشتیم و مرگ را جلوی چشمانم می دیدم.»



فکر فرار نه، التماس مرگ داشتیم!

در همان روزهایی که هر ثانیه اوضاع بدتر می شده است، بیماری محمد شریف هم عود می کند و طبیعتاً هیچ پیگیری درمانی هم اتفاق نمی افتد. او از سخت و سخت تر شدن بیماری اش و تقاضایی که برای مرگ خود داشته به این صورت می گوید: «برای این که بیش از پیش اذیت شویم، هم با قنداق تفنگ ما را تنک می زدند و هم در اطراف ما با فاصله خیلی نزدیک شلیک می کردند و آن قدر این اتفاق هولناک بود که از هوش می رفتم. این آزارها و بیماری ام باعث شده بود بارها از آن ها خواهش کنم تیر خلاص را بزنند و راحتم کنند اما قبول نمی کردند. تماس هایی با سازمان ملل برقرار و عکس هایی از من برای آن ها ارسال می شد. آن ها هم از گروگان گیرها خواستند تا من را آزاد کنند که با مخالفت سخت دزدان سومالیایی روبه رو شد اما وقتی شرایط من وخیم شد سازمان ملل به آن ها گفت اگر اسیر شما فوت کند، دیگر اعتمادی به شما وجود ندارد تا به شما پولی پرداخت شود و همین نکته باعث شد آن ها با آزادی من و چند نفر دیگر موافقت کنند.»

هنوز باور نمی کنم که آزاد شدم

محمد شریف پناهنده که این روزها را در کنار خانواده خود سپری می کند، همچنان نگران دوستان خود در سومالی است و حاضر است برای آزادی آن ها هر کمکی انجام دهد. او بعد از ۵۲ ماه به عبارتی ۱۶۷۵ روز اسارت در باره آزادی می گوید: «آن قدر درخواست سومالیایی ها برای دریافت پول بی پاسخ ماند که راضی به آزادی ام شدند و مرا تحویل سازمان ملل دادند و به شهر گالکایو منتقل شدم و بعد از این که در روز تحت مداوا قرار گرفتم، به سفارت ایران در پایتخت اتیوپی شهر آدیس با با منتقل شدم. بعد از این که دوستان سفارت، محبت بسیاری به من داشتند به کشور ترکیه منتقل شدم و سپس به سمت تهران پرواز کردیم. این روزها بسیار نگران آن سه نفری هستم که در سومالی اسیر هستند. به منطقه ای که در آن اسیر هستند، اشراف دارم و چهره گروگان گیرها را هم در ذهن دارم و حاضر به هر کمکی هستم که منجر به آزادی گروگان ها شود. از تمام کسانی که می توانند در این زمینه اقدام کنند، تقاضا دارم به یاری آن ها بشتابند که شرایط شان بسیار دشوار است. آن ها هم مثل بسیاری از ما خانواده هایی دارند که بعد از گذشت این همه روز، همچنان چشم انتظار شان هستند.»

داغ دیدن دوباره برادرم بر دلم پدرم ماند

برادر محمد شریف از حال و احوال خانواده شان در روزهای اسارت برادرش می گوید

«اسماعیل» برادر «محمد شریف پناهنده»، صاحب لنج ماهیگیری است که به دست دزدان دریایی افتاد و در نهایت اوراق شد. در ادامه، گفت و گوی ما با او درباره حال و هوای خود و خانواده اش در زمان اسارت برادر و احساس مسئولیتی که به تمام گروگان ها داشته، خواهد خواند.

● شما ماه ها از برادر خود بی خبر بودید. تا قبل از اولین تماس دزدان دریایی، اطلاع داشتید گروگان گرفته شده اند؟
بله، از گروگان گیری مطلع بودیم و لنج های اطراف ما به ما اطلاع دادند که لنج ما توسط گروگان گیرها ربوده شده است اما ارتباط و تماسی نداشتیم.

● به عنوان صاحب لنج چه احساسی در باره این اتفاق داشتید؟
بسیار متأسف بودم. خانواده دیگر ملوان ها هم به من مراجعه می کردند و از من اطلاعات می خواستند و درخواست می کردند پول تهیه کنم و برای دزدان دریایی بفرستم تا اسرا را آزاد کنند اما مبلغ درخواستی گروگان گیرها بسیار بالا بود و در توان من نبود ولی از طریق دولت و وزارت امور خارجه و هر جایی که در توان بود و امکانش را داشتم برای آزادی تمام گروگان ها تلاش کردم.

● در این مدت شرایط خانواده تان به چه شکل بود؟
سوال همیشگی فرزندان برادر ما از من این بود که پدر ما کجاست؟ این برای من خیلی سخت بود. فرزند سوم برادرم که در زمان گروگان گرفته شدن پدرش نوزاد بود، امسال به مدرسه رفت و تمام این سال ها از حضور پدرش محروم بود. در این مدت پدرم از دنیا رفت و داغ دیدن دوباره پسرش بر دلش ماند. جدای از این مشکلات، تماس های گروگان گیرها بود که گاهی می گفتند گروگان ها را کشته اند و گاهی گوشی را به برادرم و بقیه می دادند تا با التماس از شرایط بدشان بگویند. واقعا شرایط دشواری بود. البته چندباری هم مبالغی در حد هزار دلار به منظور خرید نیازهای ضروری برادرمان برای گروگان ها ارسال کردیم که نه این پول برای برادرم و دیگران خرج شده و ما توان داشتیم که بیشتر از این میزان بفرستیم.

● در این حادثه به عنوان مالک ضرر مالی زیادی را متحمل شدید. اکنون به کاری مشغول هستید؟
لنج من که به دست دزدان دریایی افتاد، اکنون حدود هفت میلیارد تومان ارزش دارد که تمام سرمایه ام بود. با این حال، بیکار ننشسته ام و با قایق به دریای روم و ماهیگیری می کنم.



این دیوار مارا از هم دور نمی کند؛ نزدیک می کند

زنی آمریکایی بعد از مرگ دوستش ایده جالبی به ذهنش رسید
ویکی از فراگیرترین چالش های جهان را طراحی کرد



کندی جانگ هنرمند و فعال اجتماعی است. سال ۲۰۰۹ میلادی بود که دوست بسیار نزدیک او به شکلی غیرمنتظره از دنیا رفت. در نتیجه این از دست دادن، درگیری ذهنی زیادی با موضوع مرگ پیدا کرده بود و احساس می کرد حالا که زنده است باید قدر زندگی اش را بیشتر از قبل بداند. کندی در نیواورلئان آمریکا زندگی می کرد و در آن روزها با دیدن خانه های مترو که در نزدیکی محل زندگی اش، ایده ای به ذهنش رسید. او با کمک دوستانش دیوارهای خانه مترو که را به تخته سیاه تبدیل کرد و جمله ای ناتمام را روی آن نوشت؛ جمله ای که قرار بود رهگذران آن را تکمیل کنند. جمله این بود:

من پیش از مرگم می خواهم... در کنار این تخته سیاه، تعدادی گچ رنگی گذاشته شده بود. یک روز بعد تخته سیاه پر از نوشته های رهگذران و اهالی محل شده بود. اما آن ها چه نوشته بودند؟

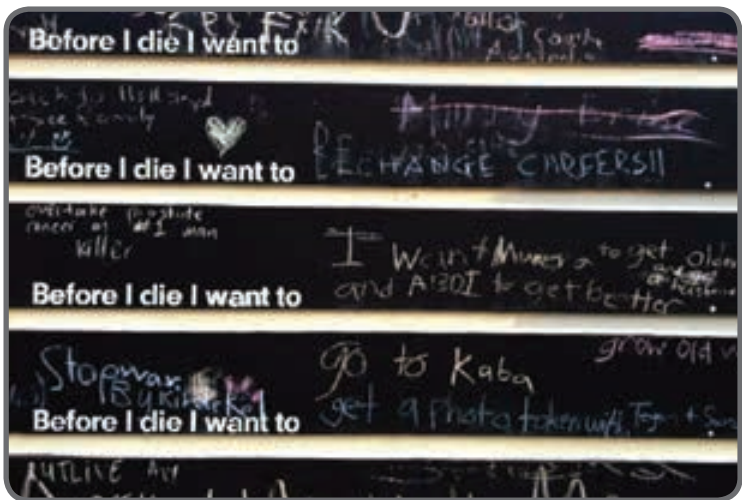
پیش از مرگم می خواهم برای میلیون ها نفر آواز بخوانم.
می خواهم درخت بکارم.
می خواهم یک بار دیگر مادر مرا در آغوش بگیرم.
می خواهم خودم شوم.
این خانه مترو که در عرض چند روز تغییر ماهیت داد و از فضایی بدون استفاده به مکانی برای تفکر تبدیل شد؛ جایی برای به اشتراک گذاشتن آرزوها و امیدها.
این ایده که سال ۲۰۱۱ برای اولین بار انجام شد تاکنون در ۷۸ کشور اجرایی و در مجموع حدود پنج هزار دیوار ساخته شده است و هزاران نفر به ۳۶ زبان مختلف روی این دیوارها آرزوها، خواسته ها و امیدهایشان نوشته و البته میلیون ها نفر این آرزوها را خوانده و به فکر فرو رفته اند. فکر این که آن ها پیش از مرگ چه کار انجام نشده ای را باید به سرانجام برسانند. چند نمونه از این دیوارها از گوشه و کنار جهان را می بینید:



ایتالیا- دزد دریایی شوم



جورجیا آمریکا- می خواهم باز خود گذشتگی زندگی کنم/ مادر مرا به ایتالیا ببرم تنها به خاطر خدا زندگی کنم



نیوزیلند - به مکه بروم/ جلوی جنگ را بگیرم



مالزی - کودکی را به فرزندی قبول کنم/ شادی را پیدا کنم

بچه های مردم نصف شمان، ولی بازم دو برابر تون!

شهاب صفاری



مادو تا برادر هستیم که در یک خانه با بچه مردم زندگی می کنیم. بچه مردم خودش خانه و زندگی دارد، اما همیشه حضور غیر فیزیکی اش در خانه، ما را ادیت می کند. حتی وقتی برادر بزرگ ترمان زن گرفته و رفته بود خانه خودش، گاهی پدرم دست بچه مردم را می گرفت و می برد آن جاتا کمی حال برادرم را بگیرد.

من بعد از کلی تحقیقات در باره بچه مردم، به نتایج قابل توجهی رسیدم. اول این که هر کسی که متولد می شود یک بچه مردم هم پیرامون خانه شان، همزمان با او متولد می شود. این بچه مردم همیشه با او همراه است و در بزنگاه های زندگی، خبر او را می پسند. شاید به این نکات توجه نکرده باشید اما بچه مردم همیشه نصف شماسن دار دولی دو برابر شما می فهمد. همیشه نصف شماسن اما دو برابر شما کار می کند و پول در می آورد. همیشه نصف شماسن و نصف نصف شما غذا می خورد و لباس می خورد و خرجی روی دست خانواده اش نمی گذارد.

راستی گفتم خرج باید بگویم که بله! بچه مردم همیشه در سش خوب است و دانشگاه دولتی قبول می شود و مثل مادران نگاه آزاد نمی رود.

گاهی اوقات هم بچه مردم همسن شماسن اما با وجود این از شما بزرگ تر است! این را خودم بعد از در نظر گرفتن کلی فرضیه رد کردم. یعنی مثلاً مایک بچه مردم در خانه مان داریم، اما در عین حال که همسن من است، همسن برادر بزرگ تر من هم هست! می دانم نمی شود، اما یک روز که پدرم از درس خواندن من ناراضی بود گفت: این بچه عباس آقامگه کیه؟ بچه مردم، یکی همسن تو! سال آخر دبیرستانه تا حالا به بار نشده در سی رویفته. بچه یه کم درس بخون، یه کم از ش یاد بگیر.

همان روز بعد از ظهر هم رو کرد به برادرم و گفت: این بچه عباس آقا همسن توه. شیش ماه نشده زنشور به، الان بچه دار شده. چرا آن قدر سخت می گیری بچه جون؟

من هم مثل شما اول کلی شمردم دیدم نمی شود هم همسن من باشد، هم همسن برادرم. ولی بعد با در نظر گرفتن احتمال جهشی خواندن، بلوغ زودرس، بیخ زدن همه ما و در زودبیز بودن بچه عباس آقا و همچنین فرضیه بچه شش ماهه به دنیا آمده توانستم این قضیه را حل کنم. شما هم خودتان را خسته نکنید، قبول کنید که بچه مردم است و هر کاری از دستش بر می آید. این ها بخشی از تحقیقات من در این زمینه بود. البته ناگفته نماند که بعد از خوردن یک کتک مفصل از بچه عباس آقا، فهمیدم که من هم بچه مردمم. بله! ظاهر اعباس آقا همیشه من را به عنوان یک بچه مردم به سر پسرش می کوید و من این موضوع به همه جای بچه فشار آورده است.

در پایان باید بگویم که آهای شما می که دارید این متن را می خوانید، بله خود شما! شما هم یک بچه مردم هستید. لطفاً این قدر خوب نباشید. شاید یکی نتوانست مثل شما باشد.

کتابخانه



بسته ای برای آخر هفته
ویژه آن ها که مطالعه را دوست دارند اما وقت ندارند

آیا احساس می کنید زشت هستید؟



زشت بودن تلقینی است که خود ما عامل ایجاد آن هستیم و در حقیقت شاید هیچ وقت صحت نداشته باشد و این تنها تصور ماست که خود را زشت می بینیم. چون شما می توانید انسان بهتری باشید و از طریق شخصیت تان جذابیت کسب کنید. در این مطلب به شما خواهیم گفت راه حل هایی که کمک تان می کنند با زشت بودن تان کنار بیایید چه هستند. تحقیقات نشان می دهد زمانی که مردم بیماری افسردگی دارند میزان ناخشنودی از ظاهر شان به بیشترین حد می رسد.

بیایید روراست باشیم

اگر چه انسان ها سلیقه های مختلفی دارند و استانداردهای خاصی برای زیبایی وجود ندارد که همه نژادها و فرهنگ ها بآن موافق باشند، ولی تحقیقات نشان می دهد افرادی که «چهره متوسط» دارند جذاب تر شمرده می شوند و صورت های جذاب معمولاً دارای تقارن اند. حقیقت این است که ژنتیک، مهم ترین شاخص در زیبایی است و چیزی نیست که بتوانید آن را کنترل کنید. به همین علت نخستین کاری که می توانید انجام دهید این است که ظاهر تان را بپذیرید.

برتوقع نباشید

زمانی که مشغول انجام کاری هستید، تلاش کنید و مطمئن باشید هر کاری از دست تان بر می آمده است، انجام داده اید. در صورت لزوم، باورهای تان را تغییر دهید فهرستی از موارد و موضوعاتی که پذیرش شان برایتان سخت است و نمی توانید آن ها را بپذیرید، تهیه کنید. باورهای تان را مرور کنید؛ شاید لازم باشد آن ها را تغییر دهید تا بتوانید بهتر مسائل را بپذیرید و به آرامش برسید.

لیخند بزنید

چه باور کنید یا نه، این لیخند زدن یا زدن اشخاص است که بخش اعظمی از جذابیت آن ها را تشکیل می دهد. مردم چنان چه حتی قیافه شما را به یاد نداشته باشند، همیشه آن لیخند زیبا و خنده از ته دل تان را به یاد خواهند آورد.

به خودتان برسید

یعنی شلواری خوش قواره و پیراهنی اتو کشیده تن کنید و موهایتان را هم تا حد ممکن به زیباترین حالت خود درست کنید. شاید ابتدا این کار به نظرتان وقت هدر دادن باشد ولی آن هایی که متقاعد شده اند زشت هستند معمولاً تلاش می کنند که خود را در منزل پنهان کنند. هنگامی که عادت کنید تمام روز خوب به نظر برسید، به طور خودکار تصور خواهید کرد که شخص خوش ظاهری هستید و به دیگران هم با همین تفکر واکنش نشان خواهید داد.

به این دلایل امکان دارد خودتان را زشت ببینید

افسردگی: تحقیقات نشان می دهد زمانی که مردم حس افسردگی دارند میزان ناخشنودی از ظاهر شان به بیشترین حد می رسد. در این مواقع زنان اندام خود را بزرگ تر از مواقع دیگر می بینند و احساس می کنند زشت تر شده اند.

خوردن ناهار: افرادی که دچار BDD هستند حتی با خوردن ناهار هم امکان دارد دچار بیماری افسردگی شوند و اندام شان را در آینه بزرگ و زشت ببینند. به همین علت در صد زیادی از اشخاص مبتلا به این بیماری دچار ناهنجاری های تغذیه ای می شوند و حتی به بی اشتها بی عصی مبتلا می شوند.

اشتباه مغز: حتی لاغرترین زنان هم امکان دارد در برابر آینه خود را چاق ببینند که علت آن هم اشتباه مغز در تخمین اندازه بدن است. تحقیقات نشان می دهد مغز انسان می تواند اندازه بدن را تا دو سوم بزرگ تر و پهن تر از میزان واقعی و قدراتایک سوم کوتاه تر از آن چه است، نشان دهد.

امان از این هکسره ها

برایم پیام فرستاد که «چه آفتابه درخشانی!» پرسیدم: «مگه آفتابه گرفتید؟ از این آفتابه مسی های دگوری؟» جواب داد: «خاک توره به ذوقت کن، آفتابه چیه!» برایش یک عدد زبان دراز با چشکم فرستادم و نوشتم: «مجید، دلبندم، خودت به جای آفتاب درخشان نوشتی آفتابه درخشان. در ضمن، سر من هم تیشه نداره.» جواب داد: «دسته بابات درد نکنه با این پسر بزرگ کردنش. اصلاً برو گم شو.»

خیلی دوست داشتم همان لحظه بروم گم شوم، ولی طاقت نیارودم و باز برایش نوشتم:

«مگر بابای من دسته داره؟» و چندتا چشم گردو گشاد هم برایش فرستادم. جواب داد:

«وای خدا، آخرش منم مثله خودت دیبونه می کنی!» فکر کردم دیگر وقتش است واقعاً بروم گم شوم، ولی مگر می شد همان طور که دارم می روم گم شوم، فکر نکنم به معنای

مثله و این که مگر مثله با مثل و مته فرق ندارد؟ امان از این هکسره ها.

چند نوع تک واز برای صدای e یا همان هکسره داریم:

۱) اضافه: دست شما، مثل من، کتاب خوب، فروغ فرخزاد

من: جان من فدای خاک پاک میهنم

او: جانم من فدایه خاک که پا که میهنم

۲) به جای «است» و برخی حروف آخر کلمه ها در فارسی محاوره: حالم خوبه، می خوره

۳) نشانه معرفه در فارسی محاوره: دختره، پسره، مغازه داره

من: خونه مادر بزرگه هزار تا قصه داره

او: خونه مادر بزرگ هزار تا قصه داره

۴) پسوند در انتهای اسم ها و صفت ها: دهنه، انگیزه، روزنه

من: صد دانه یاقوت، دسته به دسته

او: صد دان یاقوت، دست به دست

برگرفته از کتاب «مخرفات زبان فارسی»



چرا ایل می تواند، بقیه نمی توانند؟

همه آدم ها به لحاظ زمان، استعداد و امکانات شرایط نسبتاً یکسانی دارند اما نتیجه کارشان یکی نیست، رمز و راز موفقیت آدم ها و سازمان های الهام بخش چیست؟

TED مخفف سه کلمه Technology و Entertainment، Design است (تکنولوژی، سرگرمی و طراحی)؛ سخنرانی های انگیزشی که بر پایه واقعیات و تحلیل سازمان ها و افراد بسیار موفق و مطرح برگزار می شود و در زندگی روزمره آدم های زیادی در سراسر دنیا هم تاثیر گذار است. در یکی از جلسات «تد تاک»، «سایمون سینک» سخنران انگیزشی به تحلیل موفقیت شرکت ایل، مارتین لوتر کینگ رهبر مدنی آمریکا رنج برده بود و او قطعاً تنها سخنران بزرگ روز گارش نبود. چرا او؟ و چرا برادران رایت توانستند هواپیمای موتوری تحت کنترل انسان بسازند و وقتی که مطمئناتیم های دیگری هم بودند که شایسته تر بودند با سرمایه بیشتر...

حدود سه سال و نیم پیش من کشفی کردم (این سخنرانی مربوط به سال ۲۰۰۹ است) الگویی وجود دارد، تمام رهبران بزرگ و الهام بخش و

برای نمونه، چرا شرکت ایل این قدر نوآور است؟ سال به سال آن ها نوآور تر از همه رقیبانشان هستند در حالی که آن ها فضاپیکر شرکت ریانته ای هستند در ست مثل بقیه، آن ها دسترسی مشابهی دارند به همان استعدادها، به همان بنگاه ها، به همان مشاوران، به همان رسانه، پس چگونه است که آن ها به نظر می رسد چیز متفاوتی دارند؟ یا چرا مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش حقوق مدنی شد؟ او تنها کسی نبود که در دوران قبل از حقوق مدنی آمریکا رنج برده بود و او قطعاً تنها سخنران بزرگ روز گارش نبود. چرا او؟ و چرا برادران رایت نبودند و هواپیمای موتوری تحت کنترل انسان بسازند و وقتی که مطمئناتیم های دیگری هم بودند که شایسته تر بودند با سرمایه بیشتر...

حدود سه سال و نیم پیش من کشفی کردم (این سخنرانی مربوط به سال ۲۰۰۹ است) الگویی وجود دارد، تمام رهبران بزرگ و الهام بخش و

انگیزه تان چیست؟ باورتان چیست؟ سازمان شما به چه دلیل وجود دارد؟ چرا صبح از تخت خواب برخاستید؟ روش تفکر ما، روش کار ما، روش ارتباط برقرار کردن ما از بیرون به درون است. بدیهی است ما از روشن ترین مسائل به طرف مبهم ترین می رویم. اما رهبران و سازمان های الهام بخش، صرف نظر از انداز ه شان، صرف نظر از صنعت شان، همه می اندیشند، عمل می کنند و ارتباط برقرار می کنند. از درون به بیرون.

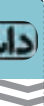
برای نمونه همزمان با برادران رایت، سامول پیوپان لنگلی هم روی پروژه پرواز انسان کار می کرد و از دیار تمان جنگ ۵۰ هزار دلار بودجه گرفته و بهترین ها را هم استخدام کرده بود اما ما هیچ گاه نام او را نشنیدیم. تفاوت او با برادران رایت این بود که او دنبال شهرت و ثروت بود و کسانی هم که با او کار می کردند به چک حقوقشان فکر می کردند، برادران رایت اما رویا و هدف خود را دنبال می کردند و کسانی را در کنار خود جمع کرده بودند که به هدف آن ها باور داشتند، در رویای آن ها سهیم بودند و برای آن می جنگیدند، آن ها تعریف می کردند که هر بار با برادران رایت بیرون می رفتند، پنج سری وسایل می بردند چون تاتاریکی هوا این تعداد دفعاتی بود که آن ها می توانستند سقوط کنند. برادران رایت تمام هزینه خود را از یک مغازه دو چرخه سازی تأمین می کردند و هیچ کدام تحصیلات دانشگاهی هم نداشتند.

نیوپورک تأیید و هیچ کدام از نشریات دنبالش نبودند. اما آن ها به راه و هدفشان کاملاً باور داشتند و سرانجام در هفدهم دسامبر ۱۹۰۳ برادران رایت پرواز کردند و هیچ کس آن جانبود که حتی ببیند و مردم چند روز بعد متوجه این واقعه شدند. گواه دیگری که لنگلی، انگیزه اشتباهی داشت این است که روزی که دید برادران رایت پرواز کردند او از کار دست کشید. او می توانست بگوید: «این یک دستاورد شگفت انگیز است دوستان. اما من بر پایه فناوری شما آن را پیشرفته تر می کنم.» او «اولین» نفر نبود، «پولدار» نشد، «معروف» نشد و به آن چه می خواست هم نرسید. اما برادران رایت با تمام کمبود امکاناتی که داشتند به هر آن چه می خواستند رسیدند زیرا باور داشتند به کاری که می کردند افرادی هم که در کنارشان بودند یک رویاراد دنبال می کردند پس آن ها مانند تمام کسانی که باقیین به سمت رویای خود رفتند، موفق شدند. مخاطب و مشتری کاری را که کرده اید نمی خرد؛ مردم دلیل کارتان را می خردند. هدف تجارت کر دن با افرادی است که به آن چه شما باور دارید؛ باور دارند.

بخشید شما؟

اولین قدم برای وارد شدن به دایره دور هر آدم، دانستن اسم اوست

قدیمی های می گفتند هر آدم دور خودش یک دایره دارد؛ دایره ای نامرئی که او را از باقی آدم ها سوا می کند. خلق و خو، شکل و شمایل، رازها و باورها. می گفتند اولین قدم برای وارد شدن به دایره دور هر آدم، دانستن اسم اوست، انگار که اسم یک کلید باشد. وقتی کسی را به اسمی می نامی، این کلید دروازه را باز می کند و تورا راه می دهد توی حریم رفاقت و دشمنی ها، نا آرامی و آسودگی هایش. قصه باشد یا واقعیت، اسم ها دنیای ما را بزرگ می کنند. شاید برای همین وقتی مشغول قد کشیدن هستیم، همه آشنایی های کود کانه مان را با این سوال شروع می کنیم که «اسمت چیه؟»



فائزه غفار حدادی

صدابه صدانمی رسد. پشت سرم چند نفر آرزو دارند زودتر رسید بگیرم و رفع زحمت کنم تا خودشان فرم تکمیل کرده شان را از نیم دایره خالی روی شیشه مرزی بین ما و اپراتور پشت شیشه به جای رسید، فرم را پس می دهند و با پوز خندی گوید: «خانوم، اسم تون رو غلط نوشتید.»

می خواهم بگویم آخر کدام آدم بی سواد

بعد از ۲۷ سال که از کلاس اول ابتدایی اش

می گذر هنوز اسم خودش را هم غلط می نویسد؟ ولی فضا مساعد نیست. داد می زنم: «نه، فائزه من این جوریه» و او هم داد می زند: «مگه می شه آخه؟ توی شناسنامه تو این جوریه؟» با نگاهی به نگاه کلافه پشت سری هایم می گویم: «خب توی شناسنامه ام این جوریه دیگه و گر نه تو صداز دن، ژ» «باض» چه فرقی می کنه؟» مطلب آن قدر سنگین است که نمی فهمد. ادامه می دهد: «آخه معنی اش چیه؟» و من در پس زمینه صدای نیچ نیچ اطرافیانم توضیح می دهم که «این فائزه از فیض میاد. به معنای فیض دهنده و اون یکی از فوز به معنای رستگار.» این توضیح را از هفت سالگی میانگین یک روز در میان به عالم و آدم داده ام. سوم ابتدایی به جز من که فائزه بودم یک فائزه هم در کلاس مان بود. قانون کلاس هم این بود که همدیگر را به فامیلی صداز نیم. اول سال اسمم شد «فائزه با صادصاد» و اسم او شد «فائزه بارز». وسط سال «صادصاد» بودم و او «رز» و آخر سال دیگر همه مرا «صاد» صدامی کردند و یادمن نیست به آن بینوایی که اسمش به خاطر من مضحل شده بود چه می گفتند. بارها توی کارت های مهم و فرم های سر نوشت ساز، اسمم را اشتباه نوشته اند. یعنی مثلاً خواسته اند در ستش کنند. حالا دم آن هایی که فائزه را فائزه می کنند گرم. خیلی شده که فاطمه شده ام، مدت ها توی دفتر چه بیمه ام فائزه بودم. گاهی هم شده که نوشته اند فائزه که این آخری دیگر اوج خلاقیت است. روزی که بابای خوشحال من گواهی تولد اولین فرزندش را گذاشته روی پیشخان ثبت احوال و اسمش را گفته، مامور ثبت احوال گفته که خیلی وقت است چنین اسمی ننوشته و از املاش مطمئن نیست. باید دفتر اسم ها را بیاورد. هر چه بابا گفته که ما این اسم را توی قرآن انتخاب کرده ایم و آن جا با «ز» است تو کتش نرفته. یک دفتر ضخیم و بزرگ آورده و در برابر چشم های بهت زده بابانشان داده که اصلاً فائزه نداریم و فائزه در ست است. با بهم بی آن که چاره دیگری داشته باشد پذیرفته که من تا آخر عمرم بابت اسمم توضیحات چند خطی قانع نکننده بدهم. بارها دلم خواسته بروم اسم توی شناسنامه ام را عوض کنم اما هر بار تصور کرده ام که دوباره مامور ثبت احوال که دیگر لابد سنی از ش گذشته دفتر ضخیم و بزرگش را می آورد و نشان می دهد که اصلاً فائزه نداریم و فائزه داریم. آن وقت شانه بالا می اندازم و می گویم: «اصلاً چرا همه فائزه ها نروند اسم شان را فائزه کنند؟»

فراخوان داستان: شما هم می توانید از «اسم» تان برای مان بگویید؛ چه کسی و چطور اسم شما را انتخاب کرده است؟ دوستش دارید یا نه؟ تا حالا بهم به مشکل خور داید؟ اسم تان را می گویم.



مارک زاکربرگ، بیل گیتس در مصاحبه ای گفت که مطمئن است چنین کاری به نفع فرزنداناش خواهد بود. آنان باید با تنوع و استعداد خودشان ثروت اندوزی کنند.

ثروت افسانه ای خود چیزی برای فرزندان شان در نظر نگرفته یا در صد بسیار ناچیزی از آن را برای آن ها به ارث گذاشته اند. در بین این ۱۲ نفر دو نام بسیار مشهور هم وجود دارد: بیل گیتس و

والدین باید با خرید جایزه های گران قیمت، آنان را «سورپرایز» کنند. اما پرسش آن است: آیا فرزندان ما نباید توجیه شوند که قبولی در کنکور یا هر موفقیت شخصی دیگری، چیدمان پازلی به نام آینده خودشان است که آنان با دست خودشان در حال تکمیل آن هستند؟ آیا آنان نباید قانع شوند که قبولی در کنکور، نه خدمت به والدین؛ بلکه خدمت به خودشان و نگارش دفتر آینده با دست خودشان است؟ آن چه بیان شد نشانه ای از تغییر اجتماعی وسیع تری است که مدت ها است در ایران شروع شده است.

متأسفانه با نوع جدیدی از «والدین هلی کوپتری» مواجه هستیم که مدام بالای سر فرزندان شان پرواز می کنند و مراقب آنان هستند تا اگر احیاناً به چیزی نیاز داشتند فوری در اختیار آنان قرار

والدین باید با خرید جایزه های گران قیمت، آنان را «سورپرایز» کنند. اما پرسش آن است: آیا فرزندان ما نباید توجیه شوند که قبولی در کنکور یا هر موفقیت شخصی دیگری، چیدمان پازلی به نام آینده خودشان است که آنان با دست خودشان در حال تکمیل آن هستند؟ آیا آنان نباید قانع شوند که قبولی در کنکور، نه خدمت به والدین؛ بلکه خدمت به خودشان و نگارش دفتر آینده با دست خودشان است؟ آن چه بیان شد نشانه ای از تغییر اجتماعی وسیع تری است که مدت ها است در ایران شروع شده است.

متأسفانه با نوع جدیدی از «والدین هلی کوپتری» مواجه هستیم که مدام بالای سر فرزندان شان پرواز می کنند و مراقب آنان هستند تا اگر احیاناً به چیزی نیاز داشتند فوری در اختیار آنان قرار

والدین برای قبولی فرزندان در کنکور انجام می دهند. البته هستند والدین اندکی که هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهند چون اساساً نمی دانند برای موفقیت های حتی کوچک فرزندان باید خوشحالی شان را در مقابل او ابراز کنند تا او خوشحال شود. دهه شصتی ها از این نوع واکنش ها خاطرات بسیاری دارند. ولی رویه غلطی که طی سال های اخیر از طرف برخی والدین خوشحال رویه گسترش است، خرید جایزه های آن چنانی برای آن هاست مثل خرید ماشین صفر، آپارتمان و در مواردی هم می توان به خرید تجهیزات تفریحی و سرگرمی با مبالغ بالا اشاره کرد. نکته قابل تأمل این که چنین انتظاری به تدریج در برخی از نوجوانان هم ایجاد شده است که در صورت قبولی در کنکور،

فریدین علیخواه | جامعه شناس
می گوید: «وقتی کنکور قبول شدم پدرم برام یه پر اید هاچ بک ۱۱۱ خرید. اونو دوس نداشتم. من ۲۰۶ می خواستم». به او می گویم: «چرا انتظار داشتی پدرت به خاطر قبولی برات یه ۲۰۶ بخره؟» با خونسردی پاسخ می دهد: «می دونم که اون می تونست بخره، پولش داشت.»
اواخر شهریور هر سال، نتایج نهایی کنکور منتشر می شود. طبیعی است که فرزندان عده ای قبول می شوند و فرزندان عده ای دیگر خیر. ابراز خوشحالی خانوادگی، مهمانی گرفتن و خرید هدیه، از جمله اقداماتی است که معمولاً



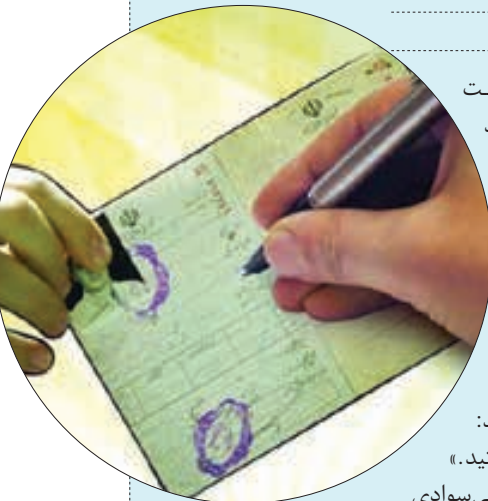
والدین هلی کوپتری و فرزندان پر توقع

فرزندان ما باید قانع شوند قبولی در کنکور، نه خدمت به والدین؛ بلکه خدمت به خودشان است



زندگی سلام
پنجشنبه
۲۵ مهر ۱۳۹۸
شماره ۱۴۴۴

کتابخانه



اتیکت

هورت نکش رفیق!

اهل چای هستيد يا هر نوشيدني ديگري به جز چاي را ترجيح مي دهيد؟ قهوه و دمنوش و چاي همگي نوشيدني هايي هستند که پاي ثابت مهماني ها به حساب مي آيند. شما چه در آينده بخواهيد در یک جلسه کاري جدی شرکت کنيد و چه بخواهيد در مهماني رودر بايستي دار حاضر بشويد لازم است بدانيد با همين فنجان کوچک چاي بطور پر خور د کنيد. اگر چاي در فنجان و نعلبکی باشد بهتر است که در جمع هاي رسمي فنجان را با يک دست و نعلبکی را با دست ديگر بگيريد، وقتي نعلبکی آوړ در جمع بايد از آن هم استفاده کنيد. اگر چاي تان را شيرين کرديد قاشق را به امان خدا هر جايي را نکنيد. قاشق جايش لبه نعلبکی نيست، توي فنجان هم که نمي تواند باقي بماند چون هنگام نوشيدن چاي توي چشم تان فرو مي رود، بهترين روش اين است که آن را در کنار نعلبکی بگذارد. بعضي ها هم هستند که صدای هم زد ن چاي شان از صدای گوشکاري تراشکاري فلزات بيشتتر است. طوري با تمام قدرت قاشق را توي فنجان مي چرخانند که هر لحظه ممکن است فنجان ترک بردارد. هم در ن چاي نبايد صدا توليد کند. اگر چاي قهوه و شيرين در شرکريد، بسته شرکريد که قهوه اي را که درون آب جوش حل شده درون فنجان نيندازيد آن ج زباله نيست، خيلي راحت مي شود اين بسته را در نعلبکی نگه داريد و هنگام جمع کردن ليوان ها به صاحبخانه بد. نوشيدن چاي با قهوه داغ قرار نيست به کسي جايزه بدها نيست ز ماني که بخار از آن بلند مي شود فنجان را در هور و هور ت کشيد، کمی صبر کنيد تا خنک شود و بد ملج و ملج چاي تان را بخوريد.

پرونده‌های مجهول

ایک روز خوب؛ من و دوستم روح!

فاطمہ قاسمی | مترجم

همه‌زست گرفته‌اند، عکاس تا سه می‌شمارد و درست در لحظه‌ای که د کمه دور بین فشار داده می‌شود، یک نفر با مزه‌از پشت جمعیت بیرون می‌پرد و عکس را خراب می‌کند یا شکلک در می‌آورد و برای بقیه شاخ می‌گذارد. این عکس خراب کن را عصاب بعضی وقت‌ها کمی ترسناک می‌شود؛ چون هیچ کدام از افراد جلوی پشت دور بین، نه‌اورا

🔵 عکس یادگاری با جنازه

این تصویر، گروهی از افسران نیروی هوایی سلطنتی انگلیس را در سال ۱۹۱۹ نشان می‌دهد که نخستین بار در سال ۱۹۷۵، یکی از افراد داخل عکس آن را منتشر کرد. در نگاه اول، همه چیز طبیعی است تا وقتی که بدانید یکی از افسران حاضر در عکس، دو روز قبل از ثبت این لحظه کشته شده است. «فردی جکسون» مکانیک هواپیماهای جنگی در روز برگزاری تشییع جنازه‌اش، خیلی خوشرو و عادی آمده کنار همکارانش و عکس یادگاری گرفته است. ظاهراً همه افراد حاضر در عکس بدون کوچک‌ترین تردیدی تایید کردند که این شخص همان جکسون مرحوم است.

📍 پدر بزرگ از گوربرگشته

«دنيس راسل» اين عكس را در سال ۱۹۹۷ از مادر بزرگش كه در آن زمان تنها زندگي مي كرد، گرفت. بعد از رايه تعداد زياد براي بقيه اعضاي فاميل چاپ كرد و به آن ها هديه داد. هنوز چيزي براي ترسييدن وجود ندارد، جز اين نكته كوچك كه تا سال ۲۰۰۰ كسي متوجه تصوير مردى بالای سر مادر بزرگ نشد و اين نكته كوچك ديگر كه بعضي از افراد خانواده ادعا مي كنند كه اين مرد، كمى شبیه پدر بزرگ در گذشته شان است.

اذا

زمان بیهوشی چه اتفاقاتی برای بدن مان می افتد؟

مریم ملی | روزنامه نگار

۱۷۳ سال پیش در چنین روزی اولین بار از یک ماده شیمیایی برای بیهوش کردن بیماران در بیمارستان عمومی ماساچوست آمریکا استفاده شد و از آن روز به بعد به خاطر فواید بیهوشی و کمکی که به درمان بیماری‌ها کرده است، این روز به نام روز جهانی بیهوشی در جهان ثبت شد. تاکنون ۱۰۰ بار عکس می‌شمارید و کم‌کم به خواب می‌روید، به همین سادگی، مغز دیگر نمی‌داند در طول این مدت که بیهوش بوده‌اید چه اتفاقاتی برای بدن شما رخ داده است. داروی بیهوشی مثل یک ماده خواب‌آور، قشر مغز و قسمت‌هایی از ساقه مغز را با بیهوشی مرتبط هستند. آرام می‌کند و تناسف هم آرام می‌شود. وقتی به هوش می‌آید فکر می‌کنید دقیقاً همین چند ثانیه پیش بود که خوابتان را در هیچ اتفاقی در این مدت نیتفاده است. در زمان بیهوشی نمی‌توانید سرفه کنید و با این کار از ورود مواد داخل معده به راه‌های تنیداری همین است که پزشکان توصیه می‌کنند قبل از عمل جراحی و بیهوشی حتماً محتویات معده خالی شود و دیگر هم

پکی

گالری



به نظر شما، کیورها چرا باید دور یک تکه نان سالخورده جمع شوند؟

رفقا سلام!
این روزها لایه‌لای اخبار برنده‌های نوبل و فعالیت‌های علمی همچنان انگیزش‌ساز، یه خبر حاشیه‌ای باحال هم به گوشمون رسید؛ یکی از برنده‌های نوبل شیمی، «جان بی. گودنو» در ۹۷ سالگی موفق به دریافت این جایزه شده و حالا پیرترین برنده نوبل در تاریخ حساب میشه. آقای گودنو که نوبل هم نبرده بود، باز هم تسبیسته علمی‌اش برنده‌اشته.

شماره پیامک ۲۰۰۰۹۹۹
شماره تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
تلفن تحریریه ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰



وی

وقتی پویانمایی می بینید

به یاد جوزف باشید



همین دوروز پیش بود که گوگل، لوگوی خودش را به خاطر او تغییر داد. جوزف احتمالاً جزو اولین کسانی است که رویایش درباره تصویرهای متحرک، اناتو اتاق کارش آزمایش می کرد. او دو صفحه گرد، یک دسته نگه دارنده و یک میله را بطرایی دو صفحه گرد چور کرده بود و طبق نقشه هایی که توی ذهنش داشت می خواست با آن هایک دستگاه خاص بسازد. دو صفحه را باید طوری روی هم نصب می کرد که به صورت همزمان و خلاف جهت همدیگر بچرخند اما این کار چه فایده ای داشت؟ روی یکی از صفحه ها تصویرهای تکراری کشیده شده بود که به سمت بالا ادامه داشتند و روی صفحه دیگر شکافهای فاصله دار با فاصله های معینی تکرار شده بودند. جوزف با چرخاندن میله بین این دو صفحه می توانست تصاویر متحرکی در دست کند که شاید آن وقت ها جالب و هیجان انگیز به نظر نمی آمد اما ایده اولیه کارتون هایی که من و شما در کودکی مان می دیدیم. ادغام تصاویر

تال

ما هم قربانی دیپ فیک خواهیم شد؟

معروف، دسترسی به آن کار چندثانیه است. همه چیز آن قدر واقعی به نظر می رسد که ممکن است اولش هول کنید و بترسید چون این روزها کمتر کسی است که عکس هایش در فضای مجازی دست به دست نشده باشد اما خیلی هم لازم نیست نگران شوید چون بایکی دو تا عکس مشکل‌ی باری شماپیش نخواهد آمد فقط بهتر است با آدم‌های ناشناس عکس‌های متعدد دیگری به‌دور به‌اشتراک گذار و عکس‌های آن‌ها را توئی شبکه‌های اجتماعی زیاد روی نکند.



هوش مصنوعی هر روز شگفتی تازه‌ای برای ما دارد، اگر اسم فناوری دیپ‌فیک (Deep Fake)، را شنیده‌اید مطمئن باشید توی جست‌وجوهای اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی نمونه‌های زیادی از آن دیده‌اید. فناوری دیپ‌فیک، شکل و حالات نقاط مختلف چهره انسان را از طریق دوربین‌ها کشف و به طرز کاملاً باورپذیری چهره هر حال انسان، را استخراج می‌کند و می‌تواند او را در همان حرکت، سخنرانی و هر حالتی که فکر کنید قرار دهد. این فناوری برای تولید یا تغییر محتوای ویدیویی استفاده می‌شود تا در نهایت ویدیویی ساخته شود که اصلاً اتفاقی نیفتاده‌است. در این ۱۰ ساله که از به اشتراک گذاشتن عکس‌های آدم‌های مختلف روی اینترنت می‌گذرد، دیپ‌فیک هر روز قوی‌تر می‌شود چون هر کسی خیلی راحت به چهره آدم‌های مشهور و حتی سیاستمدارها دسترسی دارد و می‌تواند عکس‌های شان را با هوش مصنوعی تغییر دهد. برای جعل چهره به کمک این فناوری به چندین و چند عکس از حالات چهره شخص نیاز هست که برای آدم‌های

رفقا سلام!

فضانورد در مزرعه



در سال ۱۹۶۴، «جیم تمپلتن» وقتی با خانواده‌اش برای گردش به مزرعه‌ای رفته بود، از دخترش چندین عکس گرفت. پس از ظاهر کردن عکس‌ها، جیم تصویری شبیه یک فضانور در ایست سر دیترویت دید و همان طور که داشت از ترس می‌مرد، به خودش یادآوری کرد هنگام عکاسی غیر از همسرش، فرد دیگری در آن مزرعه حضور نداشته است. خوشبختانه کار شناسان به داد جیم رسیدند و بالاخره برای یک عکس، توضیحی پدیدارند. آن‌ها می‌گویند این عکس «اورا اسپوز» شده؛ یعنی نور زیادی به تصویر تابیده و در نتیجه همسر جیم که لباس آبی بتن داشته سفید و شبیه فضانور در آن ثبت شده است. معلوم نیست همسر جیم، خودش چرا گفته که توی عکس بوده و کار شناسان را به حمت انداخته است.

دست اضافه



این عکس در قرن بیستم از ۱۵ دختر ثبت شده است که در یک آسیاب کار می کردند. همان طور که می بینید دختر هادست های شان را ضر بداری روی سینه جمع کرده اند و باز همان طور که می بینید روی شانه یکی از دختر ها، دستی است که بدن ندارد. بعضی ها می گویند قضیه را ببخودجنایی نکنید، این دست کسی است که در تصویر نمی بینیمش اما نگفته اند خب چرا نمی بینیمش! کارشناس ها هم گفته اند در این عکس خبری از فو شاپ نیست.

منابع: theoccultmuseum, demotivateur, unexplainedmysteries



چیزی نخورد. هر کسی بعد از بیهوشی در دسر هایی دارد که خواه ناخواه باید با آن ها کنار بیاید البته ممکن است فقط یکی دو روز طول بکشد اما به هر حال تهوع و سرگیجه از بیشترین مشکلاتی است که برای خیلی ها به وجود می آید. بیهوشی چند حالت در بدن ما ایجاد می کند؛ اول این که برای آن که درد را احساس نکنیم نوعی بی حسی در بدن به وجود می آورد. هوشیاری را از بین می برد تا ما به اتفاقاتی که در طول عمل جراحی می افتد آگاه نباشیم چون قطعاً هر کسی در زمان عمل کمک می کند و نداشتن زمان را احساس نکنیم.

چرا پدر و مادرها مخالف غذای بیرون هستند؟



شهرستان ها | ۷

از گوشه و کنار استان

شنبه؛ اجتماع اربعین ها

خیلی ها دلشان می خواست اربعین در کربلا باشند اما به هر دلیل از این فیض بی نصیب ماندند. با این وجود هر سال با فرار سیدن اربعین، جاماندگان هم با حسرت زیارت در گوشه و کنار استان اجتماع می کنندو در چهلمین روز شهادت اباعبدا... (ع) به سوگ می نشینند.

به گفته مدیر کل تبلیغات اسلامی، در بیرجند مزار شهدای باقریه و حسینیه جماران برای تجمع جاماندگان اربعین و مراسم این روز انتخاب شده است. حجت الاسلام «رضایی» افزود: حرکت هیئت های مذهبی به طرف این دو مکان مقدس از ۸ صبح شروع می شود و تا ظهر با برگزاری مراسم عزاداری، سخنرانی و ... ادامه دارد

جاماندگان اربعین درخضری پیاده روی می‌کنند

به گزارش «سدیدی» همایش پیاده‌روی جاماندگان اربعین حسینی در خضری دشت بیاض برگزار می‌شود. مسئول نمایندگی اوقاف و امور خیریه نیمپلوک، گفت: این پیاده‌روی ۲۷ مهر هم‌زمان با اربعین حسینی از مسجد امام حسین (ع) خضری آغاز می‌شود و به سمت آستان مقدس امامزاده عبدا... (ع) روستای کارشک ادامه می‌یابد.

«حسن زاده»، ادامه داد: این همایش بزرگ پیاده روی در مسیر ۱۲ کیلومتری خضری دشت بیاض تا روستای کارشک انجام می‌شود و در طول مسیر نیز هشت موکب از شرکت کنندگان پذیرایی می‌کند. به گفته‌وی، پیش بینی می‌شود بیش از سه هزار نفر در این پیاده روی بزرگ شرکت کنند و سخنرانی، مداحی و روایتگری صحنه حضور جابر در کربلا از جمله برنامه‌های این مراسم است.

بشرویه و در میان، بدون سمن

اکبری- بشرویه و در میان به دلیل پای کار نیامدن جوانان این شهرستان ها بدون سمن است. «عزیزی»، مدیر کل ورزش و جوانان، گفت: تعداد سمن های استان ۳۱ مورد است در حالی که برخی شهرستان ها بیش از یک سمن دارد و در بشرویه و در میان، سمنی ایجاد نشده است.

محور نهپندان در یک هفته ۷ قربانی گرفت

مرگ در میان شعله های آتش

رضایی- واژگونی زانتیا در کیلومتر ۱۸ محور نهپندان – زابل، یک کشته داشت. رئیس پلیس راه استان گفت: در این حادثه، خودرو پس از واژگونی دچار حریق شد و راننده در آتش سوخت. سر هنگ «رضایی» دلیل حادثه را بی احتیاطی راننده به علت تخطی از سرعت مطمئنه اعلام کرد. به گزارش خبرنگار ما طی هفت روز گذشته هفت نفر در حوادث جاده ای نهپندان جان باختند.

قطعه اعلام و اظهار کرد: ۱۵ قطعه‌آن به سرمایه گذاران واگذار شده و در این قطعات زیر ساخت های اولیه مورد نیاز مثل آب و برق و گاز فراهم است بنابر این قابلیت بسیار خوبی برای سرمایه گذاران در شهرستان به حساب می آید.او یاد آور شد: امکان پرداخت تسهیلات با کار مزد کمتر از ۷ درصد با زمان تنفس ۱۲ ماهه و دوره پنج ساله بازپرداخت آن فراهم است همچنین با احداث هر واحد گلخانه به صورت مستقیم برای هشت نفر شغل ایجاد می شود دیگر این که مدیریت جهاد کشاورزی در میان پشتیبانی کامل آموزشی و فنی قبل و هنگام کاشت رانیز ضمانت می کند.

تدبیری برای روستائیان

این مقام مسئول تاکید کرد: اما با توجه به نیاز بالای سرمایه گذاری شخصی متقاضیان در واحد های بزرگ گلخانه امکان سرمایه گذاری در این مجتمع محدود است بنابر این برای فراهم کردن امکان تولید گلخانه ها برای جمعیت روستائیان شهرستان با امکان سرمایه گذاری محدود، گلخانه های کوچک مقیاس به منظور افزایش تولید و اشتغال زایی روستایی به ویژه زنان روستایی تعریف و ایجاد شد طوری که از ابتدای امسال در این شهرستان برای ۱۲ نفر از متقاضیان پرونده گلخانه های کوچک تشکیل و شش پروانه تاسیس صادر شد.

توزیع ۶۰ هزار نشای گیاه دارویی در خوسف

مشمولی – حدود ۶۰ هزار نشای گیاهان دارویی شامل چای ترش، آویشن، بادرنجبویه و مرزنجوش بین کشاورزان خوسف توزیع شد. مدیر جهاد کشاورزی خوسف، گفت: کشت چای ترش از دو سال پیش به صورت آزمایشی در این شهرستان شروع شد که به دلیل عملکرد و سازگاری با شرایط اقلیمی، امسال کشاورزان استقبال خوبی از کاشت داشته اند و سطح زیر کشت آن به چهار تا پنج برابر افزایش یافته است. مهندس «رضوی»، پیش بینی کرد: امسال ۱۰۰ کیلوگرم چای ترش خشک از مزارع خوسف برداشت شود.

شروع می شود و با مراسم عزای حضرت رسول (ص)، شهادت امام حسن (ع) و امام رضا (ع) پایان می یابد. به گزارش خبرنگار ما قرائت زیارت اربعین همراه با عزاداری و مساجد و هیئت های مذهبی شهرستان، برگزاری زیارت حضرت رسول (ص) از بعدد مسجد جامع خوسف

۱۵ قطعه در شهرک گلخانه ای به سرمایه گذاران واگذار شد

اشتغال زنان روستایی در میان در گلخانه گل می دهد

فرخ نژاد

شهرستان ها با آغاز نهضت گلخانه ای در استان به تناسب موقعیت به فکر توسعه و گسترش این نوع کشت افتاده اند که یکی از این نقاط، در میان است طوری که با فراهم کردن زیر ساخت ها در شهرک گلخانه ای، ۱۵ قطعه به سرمایه گذاران واگذار شده است. افزون بر این توسعه گلخانه های کوچک مقیاس که نیاز به آورده کمتری دارد در دستور کار قرار گرفته است تا زمینه اشتغال زنان روستایی شهرستان فراهم شود. مدیر جهاد کشاورزی در میان در گفت و گویا «خراسان جنوبی»، با بیان این که تنها راه افزایش تولید، افزایش بازدهی تولید در واحد سطح است، افزود: یکی از راهکارهای افزایش بازدهی، استفاده از کشت گلخانه ای است چرا که در کشت گلخانه ای افزایش میزان تولید در واحد سطح حداقل به میزان ۱۵ برابر در مقایسه با کشت غیر گلخانه ای است.

۲۷ قطعه آماده واگذاری

او تعداد قطعات قابل واگذاری در این شهر ک را ۴۲۱

۴ سازه آبخیزداری در در میان اجرا می شود

چهار سازه آبخیزداری از محل منابع صندوق توسعه ملی در شهرستان در میان اجرا می شود. رئیس اداره منابع طبیعی و آبخیزداری در میان، گفت: این پروژه ها با اعتبار هشت میلیارد و ۶۱۴ میلیون ریال از محل منابع صندوق توسعه ملی احداث می شود. «مرادی»، با اشاره به شروع اجرای این سازه ها در دو حوزه فخرود و فیزیک – نوزاد، افزود: در حوزه فخرود، دو سازه با اعتبار دو میلیارد و ۱۱۴

برنامه های آخر صفر در خوسف

مشمولی – نشست برنامه ریزی ایام آخر صفر با حضور فعالان فرهنگی خوسف در دفتر امام جمعه برگزار شد. حجت الاسلام «سهرابی نژاد»، رئیس اداره تبلیغات اسلامی خوسف گفت: برنامه های بزرگداشت آخر صفر با مراسم عزاداری و زیارت اربعین در نقاط مختلف شهرستان

تصمیم نهایی برای

سیل زدگان «شیرگ آقا»

انصاری- «زندگی زیر سقف های نیم زده» عنوان گزارشی است که روزنامه خراسان جنوبی ۲۷ شهریور، منتشر کرد و در آن به آخرین وضعیت روستای سیل زده شیرگ آقا پرداخت که اهالی از بلا تکلیفی در ساخت و ساز به صورت در جاسازی و جا به جایی خانه ها گلایه داشتند. در راه بودن فصل سرما مسئولان ارشد استان را بر آن داشت تا بالاخره تصمیم نهایی را برای شیرگ آقا بگیرند. آن طور که مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به «خراسان جنوبی» گفت: جمعی از اهالی شیرگ آقا متقاضی ساخت واحدهای مسکونی تخریب شده در محل فعلی روستا هستند که به دلیل قرار داشتن در مسیر سیل، تسهیلات ساخت را با تعهد خودشان و رعایت ایمنی لازم پرداخت می کنیم. «آسمانی مقدم»، بیان این که برخی از صاحبان واحدهای تخریب شده خواستار جا به جایی به مکان جدید هستند، افزود: برای این افراد ۲۸۰ هکتار زمین پیش بینی شده و در فاصله هزار و ۸۰۰ متری (کمتر از ۲ کیلومتر) که مربوط به روستای باغستان است از منابع طبیعی تملک می شود. او از افرادی که متقاضی جا به جایی هستند خواست برای مشخص شدن مکان واحد مسکونی خود به بنیاد مسکن مراجعه و از تسهیلات آماده واگذاری استفاده کنند. به گفته وی آن دسته از افرادی که واحدهای مسکونی آن ها دچار خسارت شده است اما خواستار جا به جایی به محل جدید هستند به صورت عادی می توانند زمین دریافت کنند. او ادامه داد: سیل ابتدای امسال به ۴۸ واحد مسکونی روستای شیرگ آقا خسارت وارد کرد که از این تعداد ۱۰ نفر برای در جاسازی اعلام آمادگی کرده اند و از این تعداد ۶ نفر به بنیاد مسکن مراجعه کرده و سه نفر موفق به انعقاد قرار داد با بانک ها شده اند.

ثبت ملی قلعه پیر حاجات

قلعه پیر حاجات طیس در فهرست آثار ملی ثبت شد. معاون میراث فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گفت: قدمت قلعه پیر حاجات مربوط به دوره صفویه است. «علی شریعتی منش»، با بیان این که قلعه روی یک صخره بزرگ سنگی بنا شده است، افزود: نکته قابل توجه در ساخت قلعه، فضاهای دسترسی به آن است که یک راهرو مسقف پیچ در پیچ، قسمت جنوب قلعه را به مرکز آن متصل کرده است.

آبگرم معدنی هلال فردوس

سوئیت های ویلایی VIP

استخر های مجزای آب درمانی

- سوئیت های ویلایی سه ستاره آب درمانی
- استخرهای مجزای آب درمانی
- وان های خصوصی آب درمانی
- رستوران درجه یک هلال
- طولانی ترین زیپ لاین شرق کشور

www.abgarmeferdows.ir

056-32747436-40

واحد آگهی و اشتراک: ۳۲۴۴۸۰۵۴۰ – ۵۶۶ مندوق پستی: ۵۱۴ – ۹۷۱۷۵ نمبر آگهی و اشتراک: ۵۳ – ۳۲۴۴۸۰۵۳	سرپرستی استان خراسان جنوبی: بیر جند،خیابان مدرس،خیابان باهنر غربی،شماره ۷۷ تلفن سرپرست: ۳۲۴۴۳۹۳۹ – ۵۶۰ تحریریه: ۳۲۴۴۸۰۵۵۰ – ۵۶۰ نمبر تحریریه : ۳۲۴۴۸۰۵۴ – ۵۶۰	دفترمرکز ی: مشهد،بلوار شهیدصادقی(سازمان آب) مندوق پستی: ۵۱۱ – ۹۱۷۳۵ تلفن: ۳۷۶۳۴۰۵۰ – ۵۱۰ نمبر دبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ – ۵۱۰ پایمل: ۰۰۹۹۹۲۰۰۰	صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: محمد سعید احدیان سردبیر: علی ولیزاده	اذان ۹هـر ۱۱: غروب آفتاب ۱۶:۵۸: اذان مغرب ۱۶:۱۷: اذان صبح فردا ۴:۱۸: طلوع آفتاب فردا ۵:۳۹:	پنج شنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۸ ۱۴۴۱ شماره ۳۱۱۷
--	---	--	---	---	---

خراسان جنوبی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی

گزارش جلسه



برنامه ها و گلايه های مدیر کل

ز هرا قربانی – مدیر کل ورزش و جوانان روز گذشته در آستانه هفته تربیت بدنی در جمع خبرنگاران برنامه های این هفته را تشریح کرد. «عزیزی» البته در این جلسه آمار دقیقی از کل برنامه ها در استان ارائه نکرد و فقط به تشریح برنامه ها بر اساس زمان بندی اعلام شده اکتفا کرد و برخی نظیر میزبانی مسابقات منطقه ای جام خوشه چین شرق کشور را که قرار است ۱۶ تا ۱۸ آبان در قاین و سرایان برگزار شود در فهرست برنامه های این هفته گنجانده. او از راه اندازی اولین پایگاه قهرمانی ورزش های پهلوانی در بیرجند (۲ آبان) در حسینیه چهار درخت بیرجند خبر داد و افزود: تجهیزاتی این پایگاه خریداری و جامنمایی شده است. استفاده رایگان از فضا های ورزشی و تخفیف ۳۰ تا ۵۰ درصدی فضا های خصوصی همزمان با روز اول این هفته، برگزاری همایش پیاده روی خانوادگی در شهرستان ها از دیگر برنامه هایی بود که وی، بیان کرد. به گفته او همچنین اولین جشنواره گلریزان کمک به اتمام پروژه های ناتمام ورزشی با اولویت مناطق مرزی و روستایی ۲۳ آبان در تالار آیکینه تهران برگزار خواهد شد. او اشاره ای هم به توسعه ورزش همگانی، توجه به ورزش بانوان و تقویت بخش خصوصی داشت و ادامه داد: اولین همایش مدیران باشگاه های خصوصی نیز برگزار می شود.
گلايه اش از چندین هیئت ورزشی در استان بود که به اعتقاد او شفافیت مالی ندارند و دلیل آن انبوه نظارت بر کمک های گذشته به هیئت ها دانست. و با اشاره به این که سهم ورزش در سبد خانوار کم و سرانه فضای ورزشی در استان ۳۷ سانتی متر است و با احتساب بخش خصوصی این سرانه به ۸۰ سانتی متر می رسد گفت: این میزان تا رسیدن به نقطه هدف برنامه پنجم توسعه که یک متر و ۲۰ سانتی متر پیش بینی شده بود، فاصله زیادی دارد.

نماینده ولی فقیه مطرح کرد:

بهترین جلوه ورزش

حسین قربانی – بهترین جلوه ورزش در اخلاق، امانت داری، حلم و بزرگواری است. به گزارش «خراسان جنوبی» نماینده ولی فقیه در استان روز گذشته در دیدار مدیر کل ورزش و جوانان و فعالان حوزه ورزش و جوانان استان گفت: از نظر اسلام استعداد های جسمی و روحی باید در کنار هم رشد کند تا کمالات انسانی ظهور یابد و با این وجود تربیت بدن، انزاری است که فرد برای خود سازی باید از آن بهره بگیرد. حجت الاسلام و المسلمین «عبادی»

هفته نخست لیگ از بیرجند شروع شد

اولین حضور مقتدر استان

در لیگ برتر کشتی فرنگی

حسین قربانی

۸۰ کشتی گیر فرنگی کار از دوشنبه، مهمان بیرجند هستند تا در قالب رقابت های لیگ برتر کشتی فرنگی به مصاف یکدیگر بروند. رقابت ها از سه شنبه در سالن ورزشی حجاب آغاز شد و فرنگی کاران استان های خراسان جنوبی، تهران، قم و کرمان در ۱۰ وزن طی هفته اول و دوم با هم رقابت می کنند. در اولین روز رقابت ها هر چند تعداد اندکی از علاقه مندان در سالن حضور یافتند اما با شور و حرارت به تشویق کشتی گیران پرداختند.

گفت و گو با ۲ برنده

فرنگی کار وزن ۶۳ کیلو گرم تیم قم بعد از پیروزی بر حریف استان، گفت: کشتی گیر خراسان جنوبی خیلی قدرتمند بود ولی با این که شناختی از او نداشتیم توانستم با عمل به صحبت مربیان، کشتی باخته را با پیروزی تمام کنم. «رضا مردی» که طی سال های گذشته هم در رقابت های لیگ کشتی فرنگی کشور شرکت داشت از حضور قدرتمند تیم قم و این که هر سال جزو سه تیم برتر کشور است، گفت و ادامه داد: برای شرکت در این مسابقات، سه اردوی منظم به علاوه تمرین هریک از اعضای گروه با حمایت اداره کل ورزش و جوانان و هیئت کشتی قم را داشتیم.

با اشاره به سخن مقام معظم رهبری که از بیرجند به عنوان شهر علم و ایمان یاد کرده اند، افزود: این سخن ایشان به خوبی با این شهر و استان تناسب دارد. وی گفت: قدرتی را که خدا به ما عطا کرده است باید در خدمت بشر به کار بگیریم زیرا هیچ سعادتیی بالاتر از این وجود ندارد. به گفته وی، قوت بدنی که با علم، عقل و ایمان به کار گرفته شود، آثار خیرش به همه نسل ها خواهد رسید. او اظهار کرد: امروز در جهان آرمان امام حسین (ع) به تابلویی برای خدمت توسط مذاهب و ادیان تبدیل شده است و همه از آن حضرت به عنوان الگوی عدالت و خدمت به مردم یاد می کنند. «عزیزی» مدیر کل ورزش و جوانان هم مهم ترین راهبرد این اداره کل را توسعه فرهنگی

اعلام کرد و گفت: قهرمانان ورزشی باید همراه با قهرمانی به زیور اخلاق، ایثار و گذشت آراسته باشند. «مهدی قمری» رئیس هیئت ورزش های پهلوانی و زورخانه ای استان نیز از فرهنگ پهلوانی و جوانمردی به عنوان میراث باقی مانده از گذشتگان برای ورزشکاران یاد و اظهار کرد: مهم ترین اصل برای یک ورزشکار، رعایت اخلاق پهلوانی است و برای تحقق این موضوع ضرورت دار ورزش های غربی و شرقی وارداتی بومی سازی شود. «فهوه چی» رئیس مجمع جوانان استان هم با اشاره به فعالیت سمن های مردم نهاد استان و پیشگامی آن ها در پیشگیری از آسیب های اجتماعی از نبود ثبات در مدیریت ورزش و جوانان استان انتقاد کرد.



صعود و با هم رقابت می کنند. او سطح مسابقات گروه را با توجه به حضور پنج ملی پوش، بالا اعلام کرد و یادآور شد که این موضوع به شرکت تیم کشتی فرنگی ایران در مسابقات ۲۰۲۰ المپیک توکیو کمک می کند و سبب افزایش آمادگی اعضای تیم ملی ایران می شود. به گفته وی تیم خراسان جنوبی، نواپاست که با جذب کشتی گیران مستعد در این مسابقات شرکت کرده است و با پشتوانه مسئولان استان اسمال و سال های آینده می

تواند به رده های بالای کشتی فرنگی راه یابد. «عباس سروری» رئیس هیئت کشتی استان نیز بعد از پیروزی تیم خراسان جنوبی مقابل قم خاطر نشان کرد: تیم کشتی استان برای اولین بار با بهره گیری از چند کشتی گیر بومی و غیر بومی و همچنین مربیان بومی، جز یک نفر که مربی تیم ملی است در این مسابقات شرکت کرد. بر اساس این گزارش در پایان روز اول، تیم بازار بزرگ تهران هشت بر دو سیرجان کرمان و ۱۰ بر صفر تیم قم را شکست داد و خراسان جنوبی هشت بر دو از سد تیم قم گذشت.

سرپرست لیگ برتر:

تیم خراسان جنوبی

نویاست کمپاجذب

بازیکنان خوبی در این

مسابقات شرکت کرده

است و با پشتوانه

مسئولان استان

اسمال و سال های

آینده می تواند به

رده های بالای کشتی

فرنگی راه یابد

روی خط ورزش



«زغال سنگی» ها در اردو

ز هرایب – تیم هندبال زغال سنگ طیس، تنها نماینده استان در رقابت های لیگ برتر این روزها به دلیل تعطیلی لیگ در اردوی آماده سازی برای حضور قوی در دور برگشت این رقابت ها به سر می برد. سرپرست تیم زغال سنگ طیس گفت: با توجه به هدف گذاری باشگاه مبنی بر پرورش استعداد ها، بر اساس برنامه ریزی های انجام شده در نیم فصل دوم لیگ برتر که از اوایل آذر شروع خواهد شد چهار بازیکن نوجوان طبسی هم به بدنه تیم اضافه خواهد شد. به گفته «ابوترابی» تیم زغال سنگ طیس در اولین تجربه حضور در لیگ برتر با هدف ماندن در لیگ حاضر شده و تا کنون در رقابت های رفت در پنج بازی با یک پیروزی دو امتیاز به دست آورده است.

بدمیتونن آسیا در بیرجند کمپ می زند

کمپ بدمیتونن آسیا در بیرجند برپا می شود. به گزارش خبرنگار مارئیس هیئت بدمیتونن استان، گفت: این اردوی مشترک اوایل آذر با حضور ورزشکاران افغانستان، پاکستان و ایران در سالن پونه بیرجند برگزار می شود. «ثانی» به برنامه های هیئت در هفته تربیت بدنی هم اشاره کرد که رقابت ها در این رشته از فردا در شهرستان های مختلف آغاز خواهد شد و در مجموع، مسابقات استانی و مسابقات باشگاه ها در بخش آقایان به میزبانی بیرجند و در بخش بانوان به میزبانی قاینات برگزار می شود.

سرایان میزبان «خوشه چین» کشور

مسابقات جام خوشه چین منطقه پنج کشور به میزبانی استان در سرایان برگزار می شود. به گزارش خبرنگار مارئیس اداره ورزش و جوانان سرایان گفت: در این رقابت ها ورزشکاران ۶ استان خراسان های شمالی، رضوی و جنوبی، سیستان و بلوچستان، یزد و کرمان حضور خواهند داشت. به گفته «رمضانی» این رقابت ها ۱۵ تا ۱۷ آبان در سرایان برگزار خواهد شد.

برنامه های هفته تربیت بدنی فردوس

بیش از ۳۰ برنامه فرهنگی و ورزشی طی هفته تربیت بدنی و ورزش در فردوس برگزار می شود. «صادقی» رئیس اداره ورزش و جوانان فردوس گفت: برگزاری مسابقات فوتبال ویژه مدارس فوتبال و مدارس ابتدایی، والیبال ویژه ادارات، تیراندازی در دو قسمت کارکنان دولت و آزاد، برگزاری مسابقات کشتی، کاراته، تنیس روی میز، شنا و... در فهرست برنامه ها قرار دارد.



ج/۹۸۰۹۵۲۹



ج/۹۸۰۹۵۶۵



ج/۹۸۰۹۵۶۸